

ذکر ورود نواب امیرزاده اعظم محمد میرزا خلف الصدق نایب السلطنه مرحوم

از خراسان به حضور خاقان صاحب قران ۸۰۵۲

ذکر تفویض منصب جلیل ولایت عهد و نیابت سلطنت دولت علیه ایران از

جانب سنی الجوانب حضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه قاجار به

فرزندزاده اعظم اکرم انجب افخم نواب محمد میرزا خلف نایب السلطنه

مرحوم طاب ثراه و بعضی سپارشات و وصایای مَلِکانه ۸۰۵۴

در ذکر مرخصی نواب مستطاب امیرزاده اعظم حضرت نایب السلطنه العلیه

العالیه محمد میرزای خلف الصدق نایب السلطنه مرحوم از خدمت خاقان کبیر

صاحبقران به ولایت آذربایجان و صادرات آن ایام ۸۰۵۷

ذکر بعضی از وقایع خراسان و منازعه شجاع الملک با برادران فتیح خان افغان و

هزیمت او به جانب هندوستان ۸۰۵۹

در بیان اختلال نظام عراق و فارس و عزیمت حضرت خاقان اکبر فتحعلی شاه

قاجار به جانب اصفهان ۸۰۶۰

ذکر ساختن خاقان صاحبقران مرقد و مجضع و مدفن خود را در جنب

معصومه قم و سعی در اتمام آن نمودن ۸۰۶۲

در بیان وقوع بعضی امورات و آمدن نواب شاهزاده حسینعلی میرزا

فرمانفرمای فارس به اصفهان و مأمور شدن با حسام السلطنه به مراجعت فارس

و رحلت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه قاجار در سعادت آباد اصفهان و انقلاب

حال شاهزادگان ۸۰۶۴

در تتمیم کار شاهزادگان ملتزم رکاب و حرکت دادن محفه و تخت روان حضرت

خاقان مغفور را به جانب کاشان و شهر قم و در معصومه به مضجع و مقبره

معینه سپردن ۸۰۶۷

ذکر اسامی شاهزادگان و اولاد ذکور حضرت خاقان فتحعلی شاه قاجار

قوبینلو نورالله مضجعه علی الاجمال ۸۰۷۲

در ذکر بعضی از نعمتهای خاصه حضرت خاقان مغفور که به فضل الله الوهاب

بدان مخصوص بوده علی الاجمال ۸۰۷۷

در ذکر بعضی از امرا و ندما و فضلا و شعرای دربار حضرت خاقان

- صاحبقران مغفور علی سبیل الاجمال ۸۰۸۱
- امیرالامراء العظام و اجل الکبراء الکرام اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار
قوینلو ۸۰۸۱
- نواب امیرزاده کامکار ظهیرالدوله ابراهیم خان قاجار قوینلو ۸۰۸۲
- جناب امیرالمطلق امیر محمد قاسم خان بن سلیمان خان اعتضادالدوله قوینلو ۸۰۸۳
- جناب الله یار خان آصف الدوله دولو ۸۰۸۳
- حاجی مهدی قلی خان قاجار قوینلو ۸۰۸۴
- امیرخان سردار دولو رحمة الله ۸۰۸۵
- ابراهیم خان دولو رحمة الله ۸۰۸۶
- مهدی قلی خان دولو بیگلربیگی ۸۰۸۶
- حاجی رضاقلی خان قاجار دولو ۸۰۸۷
- حاجی محمدباقر خان دولو بیگلربیگی ۸۰۸۷
- محبعلی خان قاجار دولو علیه الرحمه ۸۰۸۸
- مهرعلی خان بن نواب امیرزاده مرتضی قلی خان قاجار قوینلو ۸۰۸۸
- محمدخان قاجار دولو ۸۰۸۸
- محمدحسین خان قاجار قوینلو ۸۰۸۹
- نوروزخان اشیک آقاسی باشی عزالدینلوی قاجار ۸۰۸۹
- حسن خان و حسین خان سردار قزوینی ۸۰۸۹
- اسمعیل خان و ذوالفقار خان ۸۰۸۹
- یوسف خان سپهدار گرجی ۸۰۹۰
- غلامحسین خان سپهدار ۸۰۹۰
- حاجی محمدحسین خان عزالدینلوی قاجار مروزی ۸۰۹۰
- اعتمادالدوله حاجی ابراهیم خان شیرازی ۸۰۹۱
- میرزا شفیع صدراعظم مازندرانی ۸۰۹۲
- حاج محمدحسین خان نظام الدوله اصفهانی ۸۰۹۳
- اکفی الکفات میرزا عیسی المشهور به میرزا بزرگ فراهانی رحمة الله ۸۰۹۴
- حاجی میرزا رضاقلی نوائی متخلص به سلطانی ۸۰۹۵

- ۸۰۹۶..... حاجی میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی علیه الرّحمه
- ۸۰۹۶..... میرزا مقیم مستوفی
- ۸۰۹۷..... میرزا فضل الله مستوفی
- ۸۰۹۷..... ابو الفضایل میرزا رضی تبریزی رحمه الله
- ۸۰۹۸..... محمود خان دنبلی متخلص به خاور رحمه الله
- ۸۰۹۹..... ابوالمجد والمعالی میرزا عبدالوهاب اصفهانی علیه الرّحمه
- ۸۱۰۰..... میرزا محمد تقی صاحب دیوان مازندرانی
- ۸۱۰۱..... میرزا اسدالله خان نوری لشکرنویس باشی
- ۸۱۰۲..... امین الدوله عبدالله خان اصفهانی
- ۸۱۰۲..... میرزا محمد علی خان نظام الدوله
- ۸۱۰۳..... میرزا محمد علی آشتیانی رحمه الله
- ۸۱۰۳..... میرزا رحیم فخرالدوله علیه الرحمه
- ۸۱۰۴..... میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی
- ۸۱۰۵..... میرزا فریدون مشهور به میرزا خاتلر منشی الممالک
- ۸۱۰۶..... میرزا موسی رشتی نایب رحمه الله
- ۸۱۰۷..... فتحعلی خان ملک الشعراى کاشانی رحمه الله
- ۸۱۰۹..... میرزا سید محمد سحاب مجتهد الشعراى اصفهانی
- ۸۱۰۹..... آقا سید حسین مجمر اصفهانی رحمه الله
- ۸۱۱۰..... میرزا فضل الله خاوری شیرازی
- ۸۱۱۱..... میرزا محمد مهدی ملک الکتاب فراهانی
- ۸۱۱۱..... خاتلر خان زند متخلص به فرخ
- ۸۱۱۱..... حاجی عبدالرزاق بیک دنبلی رحمه الله
- ۸۱۱۲..... میرزا معصوم فراهانی متخلص به محیط
- ۸۱۱۲..... میرزا احمد صبوری کاشانی
- ۸۱۱۳..... محمد مهدی خان شحنه مازندرانی
- ۸۱۱۴..... فاضل خان گروسی راوی رحمه الله
- ۸۱۱۴..... حاجی اکبر نواب شیرازی

- ۸۱۱۵..... میرزا کوچک وصال شیرازی
- ۸۱۱۶..... میرزا ابراهیم شیرازی
- ۸۱۱۶..... نشاطی خان هزار جریبی رحمة الله
- ۸۱۱۷..... نصرت طالش
- ۸۱۱۷..... طرب همدانی
- ۸۱۱۸..... میرزا عبدالباقی اصفهانی
- ۸۱۱۸..... میرزا عبدالعلی یزدی متخلص به کوکب
- ۸۱۱۸..... میرزا محمد ندیم
- ۸۱۱۹..... هدایت مازندرانی
- ۸۱۱۹..... رضاقلی خان هدایت ابن هدایت مازندرانی
- در ذکر جمعی از اعظام علما و فضلا و حکما و عرفای معاصرین دولت
- ۸۱۲۰..... ابد مدت کثرهم الله تعالی علی الاجمال
- ۸۱۲۰..... آقا محمدباقر بهبهانی
- ۸۱۲۰..... جناب آقا سید مهدی طباطبائی رحمة الله
- ۸۱۲۱..... جناب میرزا ابوالقاسم جابلقی مشهور به قمی طاب ثراه
- ۸۱۲۱..... جناب آقا سیدعلی طباطبائی رحمة الله
- ۸۱۲۱..... میرزا محمدتقی کرمانی رحمة الله
- ۸۱۲۲..... حاجی عبدالوهاب نائینی
- ۸۱۲۲..... جناب میرزا محمد مهدی شهرستانی
- ۸۱۲۲..... حاجی میرزا محمد نیشابوری
- ۸۱۲۳..... حاجی میرزا ابوالقاسم شیرازی
- ۸۱۲۳..... حاجی محمد جعفر همدانی
- ۸۱۲۳..... جناب فخرالحکماء الالهیین ملا علی نوری
- ۸۱۲۳..... جناب آقا سید محمد مجتهد رحمة الله
- ۸۱۲۳..... جناب آقا میرمحمد حسین اصفهانی
- ۸۱۲۴..... حاجی محمدحسن قزوینی رحمة الله
- ۸۱۲۴..... جناب آقا محمد بیدآبادی اصفهانی

- ۸۱۲۴..... شیخ مفید شیرازی رحمه الله
- ۸۱۲۴..... آقا محمدعلی کرمانشاهی
- ۸۱۲۴..... حاجی محمدحسین شیخ زین الدین
- ۸۱۲۵..... جناب ملا احمد یزدی
- ۸۱۲۵..... آقا میرزا مهدی الحسنی
- ۸۱۲۵..... حاج محمدحسن نائینی یزدی
- ۸۱۲۵..... حاج محمد ابراهیم کلباسی
- ۸۱۲۵..... جناب حاج سید محمدباقر رشتی طاب ثراه
- ۸۱۲۶..... دیگر علما
- در ذکر بعضی از ابنیه و اعمال خیر و آثار و بر حضرت خاقان صاحبقران انارالله
برهانه
- ۸۱۲۷.....
- ۸۱۲۹..... مدعیان سلطنت
- در بیان بعضی وقایع و حوادث که بعد از رحلت خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب
ثراه و قبل از جلوس میمنت مانوس وارث تاج و گاه خسرو صاحبقران نایب
السلطنه و ولیعهد دولت حضرت سلطان محمد شاه قاجار ادام الله ملکه روی
داده است علی الاجمال
- ۸۱۲۹.....
- ۸۱۳۱..... ذکر وقایع حال نواب شاهزاده ظل السلطان و جلوس در طهران
- در ذکر وقایع تبریز و مراجعت امیر نظام از قازلی گول و انتشار خبر رحلت
خاقان صاحبقران و انتظام آذربایجان و جلوس حضرت سلطان محمد شاه در
تبریز
- ۸۱۳۳.....
- ۸۱۳۵..... کور کردن شاهزادگان در قلعه اردبیل
- ۸۱۳۶..... عزیمت محمد شاه به تهران

ذکر فتنه انگیزی خوانین خراسان و ظهور مخالفت [۲۰۹] با نواب شاهزاده عظیم الشان محمد ولی میرزا والی آن مملکت

نواب شاهزاده بزرگوار جلالت آثار بعد از حکومت سمنان به ایالت خراسان مأمور شد و مدت دوازده (۱۲) سال در کمال اجلال و نهایت استقلال در تمامت خراسان مسبوط‌الید و حکمران بود، سلاطین افاغنه و خوانین اوزبکیه کابلستان و طخارستان و ترکستان از بآس و سطوتش در اضطراب و قلوب تراکمه خوارزم و گرگانج و تکه و آخال و مرو و سرخس و یموت و کوکلان از بیمش بالرزش، سیماب خوانین اکراد و اتراک حوالی و حواشی ارض اقدس که همواره در خودرایی و فتنه آرائی ضرب المثل امثال و پیشوای ارباب اضلال بودند از بیم شمشیر تارک نشین و تدبیر فتنه نشانش پای در دامن صلاح کشیده و سر به جیب فلاح فرو برده، گرگان صحراگرد رمه خوار میشی از درویشی بردن یارا نداشتند و دزدان غارتگر خرمن سوز خوشه بی توشه ربودن نمی‌بارستند، به نفس نفیس در کار مُلک و دولت تصدّی گزیدی و دست ارباب ظلم و تعدّی کوتاه کردی.

وزرا بر فقرا اعتساف نیارستندی و حکام بر رعایا اجحاف **نتوانستندی**، در اجرای اوامر شرعی و عرفی اهتمام تمام فرمودی و ساعت به ساعت به سیاست که زیور جمال ریاست است انتظام مهام ملکی بر فرمودی.

و فی الواقع چهار رکن خانه ملک حضرت خسرو گیتی ستان فتحعلی شاه خاقان از چهار شاهزاده عظیم الشان قوی و قویم و محکم و متین بود:

اولاً: مملکت آذربایجان از سرکار نواب شاهزاده بزرگوار اسکندر عزم و فریدون حزم نواب شاهزاده ولی عهد عباس میرزای نایب السّلطنة العلیة العالیة.

ثانیا: مملکت عراق عرب و کرمانشهان و لرستان و عربستان از سرکار نواب شاهزاده اکبر محمد علی میرزا متخلص به دولتشاه.

و ثالثاً: نواب شاهزاده مذکور والی والا شأن خراسان.

و رابعاً نواب شاهزاده والا شأن منوچهر چهار حسین علی میرزا فرمان فرمای ملک فارس که ذکر هر یک در مقام خود مأمول است.

اگرچه شاهزادگان گزین بسیار بودند ولی این چهار ملکزاده بینان سلطنت خاقان ایران را چهار رکن رکین و چهار عنصر متین محسوب می شدند.

و چون خوانین خراسان از بطش و سیاست نواب شاهزاده محمدولی میرزا خایف و هراسان می زیستند و در مقام فرصت چاره کار خود انتظار می بردند، در این اوقات که حکایت سانحه رزم اصلاندوز و لنکران و غلبه روسیه و طغیان خواجه کاشغری و عصیان تراکمه دشت در میان بود، آنان نیز در خیال محال خودسری و سروری برآمدند. هنوز مصالحه با دولت بهیه روسیه دست نداده بود، در هنگام مراجعت شاهزاده والی خراسان از معارضه یوسف خواجه کاشغری و معاودت از گرگان هر یک به بهانه ای از عرض راه، راه ولایت خود برداشتند: اسحق خان قرائی که سردفتر اهل تزویر بود نیز از منزل بابا قدرت به تربت حیدریه شتافت و اکراد به اشاره خوانین خود در روز چهارشنبه بیست و هفتم شعبان ایلخیان نواب شاهزاده را که در محال چناران بود تاخت کرده به غارت بردند، با جمعیت وافر روی به ارض اقدس آوردند و در حوالی خارج شهر به تاراج و یغما، کلمه خلاف و طغیان آشکارا ساختند.

نواب شاهزاده والی، اسحق خان قرائی را با خوانین اکراد موافق و متحد نمی دانست لاجرم به احضار او و مدافعه خوارج فرمان داد. اسحق خان از راه پخته کاریهای دیگ تدویر، دست افسوس بر سر زده اظهار دولتخواهی کرده با عدت و سپاه موفور به جانب مشهد مقدس آمد. شاهزاده از اراده و معاهده خوانین اکراد غافل در یکشنبه یازدهم شهر صیام محمد خان قاجار نایب و میرزا رضاقلی نوائی وزیر را به استقبال اسحق خان مأمور فرمود. اسحق خان قرائی کار را بر وفق مراد خود دیده نایب و وزیر را نیز گرفته نگاهداشت و به خدمت شاهزاده والی والا پیغام داد که: چاره و دفع فساد خوانین اکراد در صورتی ممکن خواهد شد که برج و باره و

قلعه در تصرف اکراد قرائی و کسان من باشد تا مایه اطمینان من گردد.

شاهزاده ناچار رضا داده و گوش بر اخبار نهاده اسحق خان حسب الاذن سرکار شاهزاده تفنگچیان خود را به حفظ برج و باره حصار و ارک مأمور کرده و خود در چهارباغ نزول گزیده، آثار اقتدار و اختیار به ظهور آورد. شاهزاده آزاده بر این قضیه مصابرت کرده به تقدیر قضا رضا داده به کنجی نشست و چون گنج در بر روی بر بست و مضمون این بیت را به اضطرار اختیار فرمود که گفته‌اند:

عریبه

فطوی نفس او طنیت قعر دارها مغلقة الابواب مرخی حجابها

و چنان گمان برد که همانا در ایران امری غریب به سنوح انجامیده و اهالی خراسان دلیر گشته‌اند، صبر گزید تا حقیقت امر ظاهر شود.

اسحق خان قرائی تربتی زمام ملک را در قبضه اختیار خود دیده به دعوت اعوان اشتغال گزید و خوانین خراسان را به نزد خود خواند. رضا قلی خان کرد زعفرانلو ولد امیرگونه خان، و نجفعلی خان شادلو حاکم بزنجرد و اسفراین، و بیگلر خان ترک چاپشلو حاکم دره جز، و سعادتقلی خان بغایرلو حاکم جهان ارغیان در شهر به نزد او اجتماع کردند. مجلس کنکاشی مهیا کرده جناب جلالت مآب سید سند میرزا هدایت‌الله مشهدی خلف الصدق سید شهید سعید میرزا محمد مهدی قدس الله سره در آن مجلس تشریف حضور داشتند روی نصیحت به خوانین اکراد کرده [۲۱۰] به خطاب حکیمانه فرمود که به شما می‌گویم که:

مخالفت پادشاه بزرگ کشورستان که پدر پنجاه (۵۰) شاهزاده لشکرکش و سلطان پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) سوار دشمن‌کش است و سالهاست که آبا و اجداد امجدش بر تخت پادشاهی پای نهاده و به لقب ظل‌اللهی نام برآورده‌اند کاری سهل و آسان و در حیز قوت و قدرت خوانین خراسان نخواهد بود. به محض وصول این خیر به دارالسلطنه طهران، گیتی به هم بر آید و شور در طبع برادران غیور شاهزاده والی در افتد و از اطراف به اعانت برادر و اهانت اعادی به جنبش در آیند، و شما هر یک را به محارست و محافظت شهر و خانه خود باید رفت. نخست زمام اختیار همه در دست یک تن معین لازم

است که بر همگان مزیت و فرمان‌روائی را شاید، احدی را بر خود
امیر نمائید و دیگران مطاوعت پذیرید.

چون اسحق خان قرائی به حسب عمر و سن از همه مهتر و به حسب و نسب از
بعضی کهنتر بود بنابراین حرمت گفتند: خان ما را به منزله پدر است و هر چه فرماید به
سمع رضا بنیوشیم. جناب سید حکیم عاقل دانا فرمود:
مطاع و مطیع و حاکم و محکوم را علامت و آثاری و طریقه و
کرداری است اگر چنین است به پای خیزید و در برابر او بایستید و
گوش به فرمان او دارید.

چون اسحق خان در نسب از خوانین انجب نبود و به تدویر و تدبیر خود را
سردار و امیر می خواند، خوانین از استماع این تکلیف عنیف بهم برآمده از مجلس
برخواستند دامن استغنا برافشاندند هر یک خشمناک به ولایت و مرکز حکومت خود
بازگشتند و با اسحق خان دل بد کرده به یکدیگر در خلاف او ایتلاف گزیدند و بدین
رای فتنه پیرای اختلالی تمام در کار خوانین متفقه حادث گردید.

اسحق خان از وخامت عواقب این امور پر اندیشه شد و ناچار به موافقت و
مصادقت با نواب والی و الاشان ارادت نمود. در جمعه بیست و هشتم رمضان به
حضور شاهزاده و الاثزاد رفته دو سه بار زمین بوسی کرده به عذرهای ناموجه
متمسک شده اظهار صداقت و ارادت کرد.

مع القصة در روز عید صیام شاهزاده به سلام عام نشسته و به مژده و شادمانی
چند نوبت نوبتهای نوبتخانه فرو کوفتند و اسحق خان، میرزا شمس الدین معتمد
خود را با عریضه مبنی بر اظهار خیانت خوانین و اثبات امانت خود روانه دارالخلافة
طهران و پیشگاه حضرت خان قاجار نمود. و خبر اول در سلطانیه معروض و در
نوزدهم رمضان منتشر و حضرت خاقان در سلام عام به امنای دولت فرمایش
فرمود. و نواب شاهزاده بزرگوار اسکندر عزم نایب السلطنة العلیه مستدعی حرکت
به خراسان و تدمیر خوانین آن سامان شد.

و چون مصالحه گذشته بود و توقف در آن چمن لزومی نداشت، اردوی بزرگ
سلطانی از سلطانیه در دوازدهم شوال به جانب دارالسلطنة حرکت و در روز ورود به
قزوین خبر ثانی معروض شد، و در نهم ذیحجه میرزا شمس الدین در سلیمانیه به

حضور شهریار سلیمان احتشام رسید و به مکر و ربه امر را مشتبه خواست و در عرض راه ری در منزل قشلاق عارضه موت بر شمس‌الدین عروض و حقیقت امر را کماهو حقه معروض داشت و روی به سوی عالم دیگر گذاشت. و حضرت خاقان دانای آدمی شناس فرمود که: نصف مفاسد خراسان به واسطه عارضه موت بر این فرستاده مفسد مرتفع گردید و فی الواقع چنین بوده که اشارت رفت.

ذکر آمدن

محمد رحیم خان خوارزمی به جانب دره جز و بازگشتن و

ورود سفرا و فرستادگان ترک و عرب

به دربار حضرت خاقان گیتی ستان قاجار

چون خوانین خراسان مرتکب جسارتی عظیم شدند با شاهزاده عظیم‌الشان از در خلاف در آمدند و به ولایات خود بازگشتند و شهر در دست اسحق خان گرد قرائی بماند و شاهزاده را بر مسند جلوس بر نشانند، خوانین از کار گذشته ندامت یافتند و نهانی کس به خبوه دارالملک خوارزم فرستادند و به محمد رحیم خان بن عوض ایناق که بعد از برادرش ایلنزر خان اوزبک در خوارزم حکومت و خانیت داشت پیغام عرضه دادند و او را به جانب خراسان خواندند تا فتنه بزرگتر و ماده غلیظ‌تر گردیده بلکه ایشان را سودی کند.

محمد رحیم خان اورگنجی از خوارزم سپاهی احتشاد و اجتماع کرده با سواری بسیار از طوایف تراکمه کولان و یموت و ایکدر و چودر و سالور و ساروق و تکه و جماعتی از سران اوزبکیه از راه طرن بر سر دره جز آمده به تاخت خراسان عزم کرد، ولی خوانین مذکوره به نزد او نیامدند تا متهم در این امر نباشند.

مقارن این حال اخبار مصالحه دولت علیه عالیه ایران با شوکت بهیه روسیه به اطراف رسید و مراجعت پادشاه قاجار خاقان اکبر از سفر آذربایجان و سلطانیه به طهران نیز اشتها یافت، دل‌های فتنه‌گران به اضطراب در افتاد و در کار خود چون پرگار سرگردان بماندند، و محمد رحیم خان اورگنجی نیز از حال ایران و خراسان اطلاعی حاصل کرده از مفسده‌جویی و دورویی خوانین مستحضر شد، بتاخت